

# تحریم انتشار علم چرا؟

محمدرضا اجتهادی  
دانشکده فیزیک، دانشگاه صنعتی شریف

از حرکت در جهتی خاص است، این اقدام آخر چگونه می‌خواهد در این جهت حرکت کند؟ تا کنون تحریم‌ها بسیار بر سرعت پیشرفت علم در ایران تأثیر گذاشته‌اند. در بسیاری از شاخه‌های علمی و به‌خصوص پژوهش‌های تجربی این تحریم‌ها باعث نحیف‌شدن آزمایشگاه‌های ما و عدم دسترسی به مواد مورد نظر در پژوهش شده‌اند. ولی با این حال بخشی از پژوهشگران این کشور با وجود تمام این محدودیت‌ها همچنان در تولید دانش فعالند و با تمام توان و بنیه علمی خود در تلاشند که با کمترین امکانات موجود همچنان پایه‌پای هم‌پیشگان خود در دیگر کشورها به‌پیش بروند. ایشان هر موفقیت خود در این راه را با انتشار علنی و جهانی نتایج خود و نمایش نقش خود و یاران‌شان در پیش‌برد علم جشن می‌گیرند. بدیهی است که جلوگیری از انتشار این نتایج نمی‌تواند تأثیری در روند تولیدی که قبلاً انجام شده بگذارد. زیرا این نوشتارها که برای چاپ ارسال می‌شوند گزارشی از دانش تولیدشده است. پس چرا باید تحریم شوند؟

اگر فرض بی‌تدبیری را کنار بگذارم، تنها پاسخی که به ذهنم می‌رسد این است که اگر در گذشته علم و قدرت با هم مترادف بودند، امروز حضور در عرصه تولید علم خود نشان از قدرت دارد. آمارهای رشد مقالات شاید در کشور خودمان (در کمال تأسف) به‌شوخی گرفته شوند، ولی در جهان به‌خوبی دیده می‌شوند. شاید در ایران خیلی از مسئولان چاپ مقاله را بردگی مجانی بدانند، ولی دیگران می‌دانند که این حضور، نشانی از پیشرفت و در آغوش گرفتن آینده دارد. آنانی که این نکته را درک می‌کنند، بر سر راهمان سنگ می‌اندازند، و اینانی که آن را باور ندارند، تلاشی برای هموار کردن این راه نمی‌کنند.

دیگران خوب می‌دانند که حضور در این عرصه از حضور در خیلی از عرصه‌های دیگر مانند رقابت‌های ورزشی و حتی سینما مهم‌تر است. نشنیدیم که در هیچ‌یک از قطع‌نامه‌های متعدد تحریم علیه ایران، داوران آمریکایی را از دوری مسابقات ورزشی منع کنند. داوران جشنواره‌های فیلم را از دوری فیلم‌های ایرانی برحذر نمی‌دارند. ولی این حضور در صحنه علم است که سریع‌تر از هر چیز دیگری محدود می‌شود.

آری تحریم‌ها پا را از فشار بر زندگی روزانه‌مان فراتر گذاشته‌اند. آنها آینده را نشان گرفته‌اند.

تاریخ به ما نشان داده است که پیشرفت علم دارای دو مؤلفه‌ی اصلی است، کسب علم و تولید علم. کسب دانش دیگران یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حاکمان کاردان تاریخ بوده است. تهیه‌ی کتاب‌های علمی و ترجمه و تدریس آن‌ها یا دعوت از اندیشمندان دیگر کشورها، روش‌هایی بوده‌اند که برای کسب علم به‌کار برده می‌شده است. احتمالاً این همه نه برای خود علم، بلکه برای کسب قدرت و ثروت به واسطه‌ی داشتن علم بوده است. حتی وقتی سیاست‌های تولید علم به شدت مورد تأکید قرار می‌گیرند، کسب علم نقش مهمی در زیرساخت این سیاست دارد. به‌قول معروف چرخ را نباید دوباره کشف کرد.

در ماه‌های اخیر خبرهای نگران‌کننده‌ای برای حضور بین‌المللی دانشمندان ایرانی در عرصه تولید و نشر علم شنیده می‌شود. داستان از آنجا شروع شد که الزویر، یکی از ناشران بزرگ مجلات علمی، به سردبیران و داورانی که با مجلات این مؤسسه همکاری می‌کنند تذکر داد که اگر ملیت آمریکایی دارند نسبت به ارائه‌ی خدمات به مقالاتی که در بین نویسندگان آن، نویسنده‌ای در استخدام دولت ایران است، محتاط باشند یا اصلاً از آن صرف‌نظر کنند. این توصیه به دلیل تحریم‌های جدیدی است که آمریکا بر ایران اعمال کرده است. هر چند این انتشارات به همکاران آمریکایی خود یادآوری کرده است که می‌توانند مقالات را برای دوری به همکاران غیرآمریکایی خود ارسال کنند، ولی به نظر می‌رسد که توصیه‌ی اول آنقدر نگران‌کننده بوده است که در موارد بسیاری به نکته‌ی دوم توجه نشده است.

حتی اخیراً مطلع شدیم بعضی از مجلات در بدو ارسال مقاله، با استناد به همین توصیه‌ها، مقاله را با پاسخ نه چندان محترمانه‌ای به نویسندگان بازگردانده‌اند.

فکر می‌کنم این اولین بار در تاریخ تمدن بشری است که تولیدات علمی چنین علنی مورد تحریم قرار گرفته است. این رفتار بسیار خارج از منطق به نظر می‌رسد. چرا که اگر محتوای علمی مقاله‌ای صحیح است و دانشی بر دانش بشریت می‌افزاید باید مستقل از آنکه نویسنده کیست از آن استقبال کرد. نمی‌دانم این برخورد جدید را باید به حساب بی‌تدبیری در تصمیمات انتشارات علمی خاصی گذاشت یا ناشی از تغییر نگرش در تولید علم.

اگر فرض کنیم که دلیل وجودی تحریم‌ها فشار بر کشور برای جلوگیری